

نقدی بر نشانه‌ها: درآمدی بر نشانه‌شناسی

آلبرت سیبیاک، ترجمه محسن نوبخت. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۱.
چاپ نخست، ۲۹۳ صفحه.

رضا امینی^۱

۱. بررسی شکلی

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی کتاب دارای کیفیتی مطلوب است. صحافی کتاب هم خوب است. طرح کتاب نیز همانند طرح جلد دیگر کتاب‌هایی است که در مجموعه «نگین‌های زبان‌شناسی» ناشر منتشر شده است، و گذشته از معنای کلی آن که به مجموعه گفته شده مربوط است، معنای استعاری خاصی که به کتاب و موضوع آن مربوط باشد، از آن برنمی‌آید. این کتاب از آغاز تا پایان، یعنی با احتساب تمامی مطالبی که پیش و پس از پیکره اصلی کتاب آمده، در ۲۹۳ صفحه سامان یافته است. از این رو، به نظر می‌رسد، حجم آن به‌عنوان کتاب درس نشانه‌شناسی که در ۲ واحد در دوره دکتری زبان‌شناسی گذرانده می‌شود، کاملاً مناسب است.

کتاب دارای پیش‌گفتار، بیان صریح هدف، فهرست اجمالی مطالب، تصویر، فهرست موضوعی، منابع و کتاب‌شناسی است. اثر حاضر، کتاب منسجمی است و با اینکه برخی از ابزارهای مورد نظر این پرسش - همانند تمرین و آزمون - در آن دیده نمی‌شود اما مطالب با زمینه‌سازی مناسب طرح گردیده؛ و استدلال‌های کتاب به‌صورتی سنجیده ارائه شده است. همچنین انواع اصلی نشانه‌های مورد نظر سیبیاک در فصل‌های جداگانه بررسی شده است، و از این لحاظ کتاب می‌تواند به‌عنوان یک کتاب درسی مناسب باشد.

در جاهایی از متن کتاب، خواننده باید سرعت خود را بسیار پایین بیاورد. علت این امر بی‌گمان در برخی موارد ترجمه نارسای فارسی است. برای نمونه، در صفحه ۲۱۰ با پاره‌گفتار زیر روبرو می‌شویم که معنای مشخصی از آن برنمی‌آید:

با این وارونه‌سازی [قول معروف سوسور که بسیاری از بخش‌های آن در ذیل می‌آید]،

۱. استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

احتمالاً باید انتظار داشته باشیم تا معلوم شود که یکپارچگی پژوهشی‌ای که در حال حاضر در انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌کاوی و سبک‌شناسی وجود دارد حول مفهوم دلالت بچرخد.

در پاره‌گفتار زیر از صفحه ۲۲۷ نیز بخشی که میان دو «-» آمده است مفهوم نیست و همین بر روان و رسا بودن متن تاثیر گذاشته است:

در سال ۱۹۷۴ - بعد از ارائه سخنرانی در دانشگاه تارتو در آگوست ۱۹۷۰ به همراه پروفیسور ایوانف که برداشت مشروطم را در آنجا آزموده بودم - بدین صورت به تفسیر این مفهوم استنباطی پرداختم: ...

همچنین در مواردی ترجمه ساخت‌بنیاد مترجم بر روانی متن اثرگذار بوده و موجب نامأنوس شدن برخی پاره‌گفتارهای متن شده است. برای نمونه، در صفحه ۴۶ ما با پاره‌گفتار «از ساخت‌های هنری تا حدودی کم‌تر پیچیده» روبرو می‌شویم که بهتر بود بصورت «از ساخته‌هایی که پیچیدگی آنها کمتر است» یا چیزی مشابه آن ترجمه می‌شد.

با این همه، این نکته را نیز باید بیافزاییم که متن انگلیسی این کتاب دارای پیچیدگی‌های بسیاری است. اصطلاحات و مفاهیم آن هم در بسیاری از موارد سخت است و تاکنون به زبان فارسی گفته نشده است، یا اگر هم گفته شده آن قدر تکرار نشده است که با ذائقه فارسی‌زبانان کاملاً سازگار شود؛ بنابراین برخی از نارسایی‌هایی که در متن فارسی کتاب دیده می‌شود، و از روانی آن کاسته است را نیز باید به همین حساب بگذاریم.

از نظر رعایت قواعد ویرایش و نگارش از این نظر کتاب وضعیت خوبی دارد، به ویژه اینکه تا حد بسیار بالایی نیم‌فاصله‌ها در آن رعایت شده است. اما خرده‌های نگارشی چندی به‌رحال به کتاب وارد است که برخی از آنها در آنچه در پی آمده توضیح داده شده است:

- در متن این کتاب به نظر می‌رسد که کوشیده شده است فتحه () که به‌عنوان واژه‌ای کوتاه در خط فارسی نشانه‌ای نوشتاری ندارد، با قرار دادن «ا» نمایانده شود هرچند این کار به‌لحاظ نظری، گامی است در جهت شفاف‌تر شدن خط فارسی، اما با توجه به اینکه هنوز قرارداد پذیرفته‌شده‌ای در این زمینه وضع یا پذیرفته نشده است، و همچنین با توجه به آنکه چنین کاری شکل معمول برخی واژه‌ها را دگرگون و نامأنوس می‌کند، بهتر بود که انجام نمی‌گرفت. نمونه‌هایی از این واژه‌ها عبارتند از «برای‌اش»، «مطالعات‌اش» (ص ۱۳)، «پای‌اش» (ص ۵۰)، «دندان‌های‌اش»، «گوش‌های‌اش» (ص ۶۰)، «هدف‌اش» (ص ۸۸)، نوشته‌های‌اش»

(ص ۹۱)، «نمایه‌های‌اش» (ص ۱۵۳)، «جدیداش» (ص ۱۷۵)، «نشانه‌های‌اش» (ص ۱۷۶) ...
- نمونه‌هایی از اشتباهات تایپی هم در متن دیده می‌شود: «کارگانیسم» (ص ۲۳۶) به جای
«ارگانیسم»، «به همراه» (ص ۲۲۷) به جای «به همراه»، «صلاح» (ص ۲۴۴) به جای
«سلاح»، «هائطور» (ص ۱۹۶) به جای «همان‌طور»، «ارتقاعی» (ص ۱۹۶) به جای «ارتقای»،
«بسپیت» (ص ۱۹۱) به جای «بسط»، madition (زیرنویس ۱ ص ۹۵) به جای واژه
mediation در زبان فرانسه، «دندن‌پزشک» (ص ۹۵) به جای «دندان‌پزشک»، «بان‌شناسی»
(ص ۱۷) به جای «زبان‌شناسی»، ...

- بی‌دقتی‌هایی چون جمع بستن دوباره «راست‌بالان» به صورت «راست‌بالان‌هایی» (ص ۴۳)
حاصل کم‌توجهی در ویرایش کتاب می‌تواند باشد. صورت درست واژه، به نظر می‌رسد که
«راست‌بالانی» باشد.

- همچنین در برخی از موارد، در زیرنویس‌های کتاب واژه‌هایی از متن انگلیس کتاب داده شده
است که به دلایل مختلف از جمله نام خاص بودن، لازم بوده حرف نخست آنها بزرگ نوشته
شود که چنین نشده است؛ برای نمونه، cantaurs باید به صورت Cantauris نوشته می‌شد.
- در مواردی نیز «-» در آغاز خط دیده می‌شود که این هم به لحاظ نگارشی ایراد محسوب
می‌شود؛ برای نمونه در صفحات ۲۰، ۲۱، ۶۹ و ۱۴۳.

۲. بررسی محتوایی

این کتاب دارای اصطلاحات تخصصی بسیاری است. با توجه به رویکردی که سببیک به
نشانه‌شناسی دارد، او وارد رشته‌های مختلفی برای تبیین دیدگاه‌هایش می‌شود که همین موجب
پیچیدگی بیشتر اصطلاحات کتاب شده است. مترجم کوشش بسیاری برای برگرداندن این
اصطلاحات به زبان فارسی کرده و از این نظر کوشش او درخور توجه است و در حد بالایی هم قابل
قبول. با این‌همه در مواردی به نظر می‌رسد که باید در گزینش برابرنهادهای فارسی دقتی بیشتری
مبذول می‌شد. به‌طور کلی می‌توان گفت، مترجم درباره اصطلاحاتی که مربوط به حوزه زبان‌شناسی و
نشانه‌شناسی است، نسبت به اصطلاحاتی که مربوط به زمینه‌های دیگری چون زیست‌شناسی یا
حوزه‌های میان‌رشته‌ای است، عملکرد بهتری در زمینه کاربرد اصطلاحات تخصصی دارد.

بر برخی از برابرهایی که برای واژگان انگلیسی در این کتاب گزینش شده است می‌توان خرده
گرفت. برای نمونه، بهتر بود که species در صفحه ۲۴ به جای «انواع» به «گونه‌ها» ترجمه می‌شد.

همچنین به‌جای واژه «هومو ساین» که در این کتاب در موارد زیادی به‌کار رفته است بهتر بود از برابره‌های فارسی آن همچون «انسان خردمند» یا «انسان هوشمند» بهره گرفته می‌شد. در موارد زیادی به نظر می‌رسد که باید به‌جای واژه «حیوان / حیوانات» (برای نمونه، صص ۳-۴۲) از واژه «جانوران» بهره گرفته می‌شد که دارای مفهوم فراگیرتر و گسترده‌تری است. با همین استدلال می‌توان گفت، در این کتاب بهتر بود به‌جای «نشانه‌شناسی حیوانی» (برای نمونه، صص ۱۴) از «نشانه‌شناسی جانوری» بهره گرفته می‌شد، به‌ویژه اینکه ما ترکیبی چون «زیست‌شناسی جانوری» و موارد مشابه را در زبان فارسی داریم. در پیوند با همین نکته می‌توان گفت که ترکیب «انواع حیوانی» (صص ۲۳۶) کاملاً نارسا است، و بهتر بود که به «گونه‌های جانوری» ترجمه می‌شد. در صفحه ۲۲۴ نیز ترکیب «زبان ایبری» را می‌بینیم که ترجمه دقیق نیست، و بهتر بود که به‌صورت «زبان / زبان‌های شبه‌جزیره ایبری» ترجمه می‌شد.

محتوای کتاب با عنوان و فهرست آن همخوان است. در این زمینه تنها می‌توان باز بر برخی از کم‌دقتی‌های مترجم در یک‌دست کردن ترجمه برخی ترکیب‌ها یا عنوان‌ها خرده گرفت. برای نمونه، در صفحه ۲۲ ما با این پاره‌گفتار روبرو می‌شویم که «فصل سوم، (شش گونه از نشانه‌ها)» ... در حالی که در فهرست ما در عنوان فصل سوم پاره‌گفتار «شش نوع نشانه» را داریم. در صفحه ۲۳ عنوان فصل آخر «زبان به مثابه نظام الگوسازی اولیه» درج شده، در حالی که در فهرست، عنوان فصل «زبان همچون نظام الگوسازی اولیه؟» آمده است.

متن اصلی این کتاب در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است، و با توجه به آنکه تحول در مباحث علمی حوزه‌هایی چون نشانه‌شناسی بسیار بطئی و کند است، می‌توان گفت، مطالب کتاب نو است. همچنین این‌گونه کتاب‌ها بر خلاف برخی از حوزه‌های علمی دیگر چندان داده‌بنیاد نیستند و از این نظر اصولاً طرح پرسش درباره داده‌ها و اطلاعات آنها چندان توجیه‌پذیر نیست.

طرح مباحث نشانه‌شناسی در پیوند با کل نظام هستی، و همچنین نظام زیستی جانوران دیگر جذابیت خاصی به این کتاب داده است و آن را از کتاب‌های دیگر نشانه‌شناسی متمایز کرده است. در واقع هر خواننده‌ای که برای مطالعه درباره نشانه‌شناسی به این کتاب مراجعه می‌کند، با رویکردی متفاوت از رویکرد سنتی کتاب‌های نشانه‌شناسی در آن روبرو می‌شود، و دید او نسبت به این حوزه بسیار فراگیرتر می‌شود. هم کتاب به‌طور کلی و هم هر فصل آن دارای نظامی منسجم است.

در این کتاب از منابع معتبر بسیاری بهره گرفته شده است، و در پایان آن هم کتاب‌نامه یا بهتر است بگوییم کتاب‌شناسی غنی آمده است که می‌تواند برای علاقه‌مندان حوزه نشانه‌شناسی بسیار

سودمند باشد. این کتاب‌نامه ۲۸ صفحه از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. در این اثر از منبعی بدون ذکر مأخذ آنها استفاده نشده است. ارجاعات به‌صورت درون‌نوشت و با دادن اطلاعات لازم در متن کتاب دیده می‌شوند.

کتاب به‌صورت کامل ترجمه شده است، به‌گونه‌ای که همان‌طور که در بالا نمونه‌هایی داده شد، این ترجمه کامل در مواردی موجب ساخت‌بنیاد شدن ترجمه شده است. در واقع مترجم هرآنچه در متن انگلیسی کتاب وجود داشته است را ترجمه کرده و به فارسی درآورده است. در مواردی ترجمه ساخت‌بنیاد پاره‌گفتارهای انگلیسی بر روانی متن فارسی اثرگذار بوده است. اما مترجم در ترجمه کتاب امانت‌داری را رعایت کرده است. درباره معادل‌یابی در بالا نمونه‌هایی آوردیم و نشان دادیم که بی‌دقتی‌هایی در این زمینه در کار مترجم دیده می‌شود. در اینجا نیز چند نمونه دیگر از این بی‌دقتی‌ها را می‌آوریم. نمونه نخست ترجمه واژه act در پاره‌گفتار انگلیسی A Woman of No Importance, act 3 به «قانون» (ص ۲۰۴) است که اشتباه است و باید به «پرده» ترجمه می‌شد. همچنین figure of speech به «صنایع لفظی» ترجمه شده است که دقیق‌تر آن بود که به «صنایع ادبی / صنایع بدیعی» ترجمه می‌شد. Salvation Army که البته به اشتباه به‌صورت Salvation Army در زیرنویس ۳ صفحه ۷۸ آمده است، در همین صفحه به «ارتش سالویشن» ترجمه شده است که به راحتی می‌شد آن را به «سپاه رستگاری» ترجمه کرد. برابرنهاد انگلیسی «نشانه‌شناسی خرد» در زیرنویس ۳ صفحه ۴۱ به عنوان macrosemiotics آمده است که یا ترجمه آن اشتباه است، یا در دادن زیرنویس دقت لازم نشده است چون برابر فارسی این واژه انگلیسی «نشانه‌شناسی کلان» است نه «نشانه‌شناسی خرد». مترجم در مواردی برای روشن شدن معنای متن، زیرنویس‌های توضیحی به متن افزوده است.

۳. ارزشیابی کلی و پیشنهادها

از این کتاب می‌توان برای درس نشانه‌شناسی در مقطع دکتری رشته زبان‌شناسی به عنوان منبع فرعی و یا اصلی استفاده کرد. از نظر حجم و شیوه ارائه مطالب، مناسب معرفی به‌عنوان منبع درسی درس «نشانه‌شناسی» در دوره دکتری زبان‌شناسی است. در واقع این کتاب می‌تواند نشانه‌شناسی را در حد یک درس دو واحدی به دانشجو معرفی کند. این کتاب، اثر ارزشمندی در زمینه نشانه‌شناسی است و باعث خوشحالی است که متن فارسی آن در دسترس است؛ اما همانند بسیاری دیگر از کارهای منتشرشده باید در ویرایش متن آن دقت بیشتری می‌شد، و خوب است که چنین کاری در چاپ‌های بعدی آن انجام گیرد.